

و ساختار بندی متفاوتی را ایجاد می‌کند، اینکه شما بتوانید در سینما مخاطب را با کثرت زیادی در مدت زمانی مشابه فیلم‌های سینمایی یعنی در حدود هفتاد دقیقه نگاه‌دارید یکسری الزامات محتواسازی و دراماتیک نیاز دارد که باید به آن توجه کنید. من خیلی امیدوار و خوشبین هستم که به تدریج با توسعه مستندسازی در کشور و توجه به مستند این نوع از سینما مخاطبان خود را بیابد و مستند سازان در کنار ساخت مستند تلوزیونی به سمت ساخت مستند سینمایی هم بروند.

### لطفا در مورد تجربه‌های دیگر فیلمسازی خود در زمینه مستند بگوید

در زمینه سینمای مستند که این اولین تجربه من است اما در تلوزیون در تمام این سال‌هایی که برنامه‌سازی تلوزیون می‌کردم به سبب موضوعاتی که علاقه مند بودم یا شغلم مستندهایی ساختم از جمله مستند سریالی جویندگان کسوف که شاید بارزترین اثر من پیش از این است.

### به الزامات خاصی برای مستندسازی در سینما اشاره کردید این گذر از مستندسازی تلوزیون به سینما برای شما چه چالشی داشت؟

مستندسازی در سینما به آن معنا تفاوت ظاهری با مستندسازی تلوزیون ندارد جدای از اینکه در تلوزیون شما می‌توانید مستندی بسازید که سریالی باشد و مخاطب شما را در طی زمان دنبال کند و با شما همراه شود و شما بتوانید لقمه‌های کوچکتری را آماده کنید و به طبع وقتی زمان آن کمتر است مخاطب خسته هم نمی‌شود و براحتی می‌تواند دنباله آن روایت و داستان شما را در قسمت بعد دنبال کند این یک سمت ماجراست و سمت دیگر اینست که سینما یک صنعت سرگرمی است و وقتی شما به سراغ صنعت سرگرمی می‌روید خواسته یا ناخواسته مخاطب شما محدود می‌شود چرا که مخاطب سینما به این علت به سینما می‌آید حال شما قرار است که مستند را به یک محصول سینمایی که مطابق با صنعت سینما باشد تبدیل کنید باید قواعد سینمایی و دراماتیک را رعایت کنید که مشابه آنها در مستندهای تلوزیونی هم وجود دارد اما شکل و شمایل متفاوتی دارد. مخاطب مستند تلوزیونی در خانه نشسته و این فرصت را دارد که با سخاوت بیشتری اثر شما را نگاه کند اما کسی که بیط می‌خورد و می‌خواهد روی پرده نمایش، فیلم را ببیند از شما نه تنها سرگرمی و روایت جذاب و پرکشش و ریتم درست بلکه کیفیت تصویری متفاوت و درستی هم می‌خواهد و شما نیازمند این هستید که از ابزار و ادوات متفاوتی استفاده کنید در واقع ابزار و ادوات سینمایی، این نکته‌ای است که برای آینده سینمای مستندمان به آن بسیار خوشبین هستم چرا که تاکنون کمابیش روایت‌های اجتماعی در مستندمان داشته‌ایم مستندهای شخصیت محور، مستند پرتله یا در مورد محیط زیست و تاریخ و ... که گهگاه به سینما بخصوص در گروه هنر و تجربه می‌رسند و در غالب مستندسازی ایران رایج نیست که از ابزار و ادوات سینمایی استفاده شود بیشتر همان ادوات تلوزیونی در ساختمان بکار برده شده کاری که ما در مستند کاپیتان من انجام داده‌ایم این بوده که نوعی از ساختار فنی و تکنیکی سینمایی استفاده کرده‌ایم که بتوانیم به ویژگی‌هایی که کیفیت مطلوب فنی در سینما است وفادار بمانیم از این جهت کاپیتان من می‌تواند از باقی مستندهایی که در سینمای ما کار می‌شود متمایز شود و در محتواسازی هم تلاش کرده‌ایم همان سرگرم کننده، پرکشش بودن و وفاداری به مفهوم اصلی را داشته باشد چرا که این یک مستند علمی است و ما باید آنرا به یک روایت جذاب به لحاظ ریتم، فرم و محتوا تبدیل کنیم. چیزی که برایم بسیار مهم است در مورد فیلم کاپیتان من عناصر مختلفی هستند که در کنار هم قرار می‌گیرند تا شما بتوانید مفهومی را به شکل جذاب به مخاطبانانتان ارائه کنید یک بخش آن حضور بهرام رادان است و بخش دیگر متخصصانی هستند که در فیلم حضور دارند و یک بخش دیگر اینست که چطور بتوانید مفاهیم را تبدیل به موضوعات ساده کنیم و در اینجا نویسندگی فیلم که مهرداد نعیمی به همراهی دکتر رضا پناهی آنرا بر عهده داشتند بسیار قابل اعتنا و اهمیت می‌نماید چرا که بخش جدی این فیلم متن آن و بخش جدی دیگرش مونتاژ و تدوین آن است که بر عهده مسعود حمزویان و کسری کمائی بود و مقدار زیادی از پروسه زمانی تولید فیلم را در بر گرفت.

### علاقه مندی و پرداخت شما به ساخت برنامه علمی و نجومی چگونه شکل گرفته است؟

به شخصه علاقه مند به علم هستم و فکر می‌کنم این یک زاویه خالی مانده از افرادی هست که در این زمینه کار کنند و من به تدریج این مسیر را انتخاب کرده‌ام و این یک ماجراجویی جذاب برای زندگی شخصی‌ام است چون به واسطه ساخت برنامه‌های علمی پیوسته در حال یادگیری هستم و چه فرصتی از این بهتر که شما در معاشرت با بهترین متخصصان در رشته‌های مختلف قرار می‌گیرید با مرزهای علم و تکنولوژی آشنا می‌شوید با فیلسوفان علم یا فیلسوفان رشته‌های مختلف می‌تواند صحبت داشته باشید و به نوعی زمینه آگاهی بخشی فردی هم دارد علاوه بر این من به تدریج این مهارت را پیدا کرده‌ام که چطور این محتوا را تبدیل کنم به محتوایی که بتواند در تلوزیون یا در سینما به نمایش گذاشته شود. در کاپیتان من حضور یک ستاره سینمای ایران کمک می‌کند به اینکه گروه جدیدی از مخاطبان عمومی بیایند و با یک موضوع علمی در ارتباط باشند و با مغز خود بیشتر آشنا شوند همه اینها برای من بسیار هیجان انگیز است و برایم جالب است که در طی این سالها گروهی از انسانها را همراه کرده‌ام با علم و یک علاقه مشترک را ایجاد کرده‌ام برای خودم و آنها و حالا مستند کاپیتان من به عرصه جدید است که این اتفاق بتواند روی پرده سینما رخ بدهد.

### آشنایی شما با بهرام رادان به کجا بر می‌گردد و شکل گیری همکاریتان در این پروژه چگونه بود؟

خیلی تصادفی همه چیز پیش رفت و این علاقه مندی خود آقای رادان بود که بخواند محتواهایی را در مورد علم بسازند در همین راستا با هم آشنا شدیم و همزمان ستاد علوم و فناوری شناختی پیشنهاد ساخت یک فیلم مستند در مورد مغز را به من داده بود و من این موضوع را با آقای رادان مطرح کردم و تبدیلش کردیم به یک پروژه سینمایی و به نظرمان رسید که شاید بتوان اینبار بجای تلوزیون از مدیوم سینما استفاده کنیم برای اینکه یک فیلم برای سینمای مستند ایران ساخته شود و این نهایتا منجر به همکاری مشترک ما شد.

### در سالهای اخیر شاهد هستیم که هنرمندان شناخته شده در عرصه تهیه کنندگی فعالیت می‌کنند یا در زمینه ای که تاکنون در آن فعالیتی نداشته‌اند حضور می‌یابند، این رویداد از نظر شما تا چه حد حائز اهمیت است؟

من نمی‌توانم خیلی قضاوت دقیقی داشته باشم ولی فکر می‌کنم که سوپر استارها و ستاره‌های سینمایی در گذر زمان دگر دسی و شکل‌های دیگری از کار را تجربه می‌کنند یکی از بارزترین تجربه‌هایی که معمولا سوپر استارها در تاریخ سینمای ایران داشته‌اند این بوده که تهیه کنندگی سینمایی نیز انجام می‌دهد ولی گروهی دیگر تجربه‌ای مانند کارگردانی را انتخاب می‌کنند و گروهی هم تجربه مجری‌گری و... هیچکدام اینها نسبت به دیگری مرتبه بالاتر یا پایینتری ندارد ولی آنچه که برای من شخصاً در مورد آقای رادان جذاب است این است که انتخاب می‌کند که خود را به یک ماجراجویی دعوت کند و در یک مستند علمی حضور داشته باشد، خود را در اختیار متخصصان قرار بدهد که آزمایشات علمی برویش انجام شود و در این مسیر اطلاعات جدیدی بدست بیاورد و به سوالات خودش پاسخ بدهد و این بسیار جالب و هیجان انگیز است که یک سوپر استار انتخاب می‌کند که بجای تجربه‌هایی که به لحاظ مالی قطعاً برایش امکان بهتری را ایجاد می‌کند چهارالی پنج سال وقت خود را بگذارد برای تولید اثری مانند کاپیتان من. وقتی شما در یک مستند علمی به عنوان تهیه کننده و راوی شرکت می‌کنید در واقع در مسیر ناشناخته‌های قدم گذاشته‌اید چون تعداد مستندهای علمی که روی پرده سینما ایران رفته را باید بشماریم اصلا بوده یا نبوده؟ و وقتی می‌بینیم که خیلی کم بوده است و یا اصلا نیست این سوال در ذهنمان ایجاد می‌شود که اگر ناموفق باشد چه؟ و همه اینها نکاتی بوده که برای من به عنوان یک برنامه‌ساز تلوزیونی که حالا دارم عرصه سینما را تجربه می‌کنم هیجان انگیز است ولی برای بهرام رادان که سالهاست در سینمای ایران حضور دارد این می‌توانست یک ریسک بزرگ باشد ریسکی که بتواند موقعیت او را به خطر بیندازد ولی با تمام این احوال او این ریسک را پذیرفت و برای من این مسئله بسیار ارزشمند است.

### افق اکران و برنامه‌های بعدی مستند کاپیتان من چیست؟

ما بعد از اکران عمومی طبیعتاً اکران در کشورهای دیگر و در عین حال امکان اکران آنلاین که هنوز هیچکدامشان قطعی نشده را دنبال خواهیم کرد و احتمالاً کاپیتان من در جشنواره‌های خارجی

به عنوان اثری از ایران شانس خود را محک خواهد زد چیزی که خود من به شدت دنبال می‌کنم اینست که این فیلم در دسترس دانش آموزان قرار بگیرد چرا که می‌تواند الهام بخش و باعث شناخت آنها از جهان شگفت‌انگیز مغز باشد و بسیار مشتاقم که در آغاز بازگشایی مدارس این ابزار کمک آموزشی در اختیار دانش آموزان قرار بگیرد.

### نحوه همکاری پزشکان و متخصصانی که در این فیلم حضور داشتند چگونه بود و آیا در این زمینه با چالش خاصی مواجه بودید؟

بسیار خوشبین هستم این نکته درخشان هم به چشم بیاید که یک جنبه دیگر فیلم در کنار حضور آقای رادان، حضور متخصصان فوق العاده چیره دستی است که در این فیلم با ما همکاری کردند بهترین متخصصان علوم اعصاب و علوم شناختی که چه پشت صحنه و چه جلوی صحنه به ما کمک کردند و همراهی آنها و بیان ساده آنها کمک کرده به قدرت گرفتن انتقال مفاهیم علمی و این برای ما بسیار حائز اهمیت بود. ما در رادیو تلوزیون متخصصان زیادی را می‌بینیم در مورد موضوعات علمی صحبت می‌کنند طبیعتاً موضوع آنها موضوع تخصصی است و شاید خیلی این مهارت بین جامعه علمی ایران وجود ندارد که یک مفهوم علمی را شبیه سازی کنند به مفاهیم ساده‌ای که قابل فهم برای دیگران باشد ولی ما خوشبختانه این شانس را داشتیم که بتوانیم با بهترین متخصصان در ارتباط باشیم و این کاری بود که ستاد علوم و فناوری‌های شناختی انجام داد در واقع بخش کمک به محتواسازی فیلم توسط این ستاد راهبری شد و همچنین این شانس را داشتیم که در بهترین مراکز علمی ایران فیلبرداری‌ها را انجام بدهیم مثلاً آزمایشگاه ملی نقشه برداری مغز، بانک مغز و جاهای دیگری که در طول فیلم به سراغ آنها رفتیم که مراکز پژوهشی هستند و اکنون در مرزهای دانش درباره مغز و عملکرد آن فعالیت می‌کنند. آبرو و پشتوانه این فیلم به اعتبار حضور متخصصانی است که آنقدر صاحب نام هستند که به نوعی اعتبار فیلم از آنها بدست آمده است.

### لطفا در مورد طراحی صحنه کار بگوید

در واقع طراحی صحنه خاصی اتفاق نیفتاده است و بیشتر چیدمان صحنه بوده که متناسب با شرایط فیلم می‌بایست باشد بهر حال اغلب جاهایی که می‌رفتیم مراکز علمی بودند و آنجا باید مناسب سازی می‌شد برای تصویربرداری و فیلبرداری سینمایی و این مناسب سازی شاید گاهی نیاز به تغییر چیدمان داشت و ایجاد فضاهای جدیدی که از فضای علمی دور نباشند و در عین حال فضایی متوازن و شکیل برای تماشا روی پرده عریض باشند. وقتی می‌گوییم سینما دیگر قاب کوچک تلوزیون نیست که همه جزئیات را نبینیم به همین علت من با وسواس خاصی همه چیدمان‌ها را انجام دادم چرا که همه جزئیات در صحنه باید برای مخاطب معنایی داشته باشد و اگر ندارد نباید چندان به چشم بیاید به نوعی می‌توان گفت که صحنه پردازی این فیلم باید فضا را به گونه‌ای شیک و شکیل می‌کرد و در عین حال هم با تصویر ذهنی مخاطب از یک آزمایشگاه علمی متناسب می‌بود. مثلاً قسمت‌هایی که راوی فیلم شروع به صحبت می‌کرد فضا باید هم نسبتی از ایران و هم جایی که مشخص نیست کجاست می‌داشت و همه تلاش ما در پیدا کردن این فضا و انتخاب و چیدمان صحنه‌ها بسیار دقیق بود تا در نسبت با یکدیگر باشند و در عین حال هویت مستقل خود را داشته باشند.

### مواجهه مخاطب را با اثر چگونه ارزیابی می‌کنید

من سالها در تلوزیون بوده‌ام و همیشه از مخاطبانم فیدبک گرفته‌ام اما وقتی می‌بینم انسان‌ها این فیلم را انتخاب می‌کنند که ریتم آن خوشبختانه آنقدر تند است که مخاطب خسته نمی‌شود و با تمرکز زیاد در سالن تاریکی می‌نشینند حتی مخاطبان با سنین پایین مثلاً ده سال و در مورد آن در راهروها یا مسیر برگشت صحبت می‌کنند به نظر من این لذت بخش‌ترین تجربه‌ای می‌آید که هر فیلم سازی می‌تواند داشته باشد.

### سخن پایانی

چندان پیش نمی‌آید که ما بتوانیم یک فیلم مستند علمی را روی پرده سینماهای ایران ببینیم با اینکه دیدن این فیلم در تلوزیون هم معنا و لذت خودش را دارد بعنوان تماشاگری که خودم در سینما این فیلم را می‌بینم به نظر من حیفاست که مخاطبان هم این فیلم را روی پرده نبینند به این علت که سکوت و تمرکزی که سالن سینما به ما می‌دهد سبب می‌شود تا ما در یافت کافی از فیلم داشته باشیم و مثل دیدن یک فیلم سینمایی نمایشی از دیدن این فیلم هم لذت ببریم.